

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۱ سپتمبر ۲۰۲۲

"شبی که سحر نداشت"

چهارشنبه- ۰۹ سنبله ۱۴۰۱ - کابل: عنوان این یادداشت را از کتابی که چندی پیش در خانه یکی از دوستان دیدم و توسط یکی تن از نویسندگان معروف ایران در زمان شاه، یعنی "ارونقی کرمانی" نگاشته شده است، انتخاب نموده ام. این که آن نویسنده چگونه با قلم توانایش سرنوشت قهرمانانش را که همیشه بعد از ختم یک مصیبت با مصیبت دیگری دست و پنجه می باید نرم می نمودند، به تصویر کشیده است و خواننده را با خود به محل واقعات می کشاند، باشد سرچایش؛ آنچه باعث شده است تا نام کتابش را بر این یادداشت بگذارم، تشابه بیش از اصل، سرگذشت میهن و مردم ما و مصایب دامنه دار است که یکی پشت دیگری، زندگانی روزانه در کشور را با عذاب و شکنجه عجیب ساخته است. هموطنان گرامی!

علی رغم این که با پیدایش طبقات، در طول بیش از ۵ هزار سال گذشته، بیشترین جشنها و شادمانی ها برخورد مهر طبقاتی خورده، جشن و پای کوبی یک طبقه، به معنای عزاداری و ماتم برای طبقات متخاصمش بوده است، مگر گاهگاهی فضائی به وجود آمده است که یک جشن و یا ماتم فرا طبقاتی شناخته شده، قاطبه باشندگان آن سرزمین آن جشن و یا ماتم را از خود دانسته، در آن شاد و یا غمگین شده، جشن و یا عزا گرفته اند. موردجشن و پایکوبی همگانی بیشتر زمانی رخ داده است که مردمان یک کشور قادر شده باشند، دشمنان مردم و کشور شان و متجاوزان بر خاک و ناموس شان را از سرزمین شان بیرون برانند و لوای آزادی و حریت را به مثابه نمودی از شرافت و وجدان باشندگان آن سرزمین برافرازند. تاریخ کشور خود ما و بقیه کشورهای جهان روزهای معینی با همین خصوصیت در سینه خود ثبت نموده است.

با تأسف در ۴ دهه اخیر روند وقایع در افغانستان در چنان مسیری حرکت نموده، که مردم علی رغم تمام قربانی ها برای پایان دادن به شب تار و تاریک برخاسته از سلطه استعمار، بدون آن که سحری را شاهد شده باشند، مجدداً در عمق تاریکی و شب فرو رفته، مجالی برای خوشحالی و خوشنودی برایشان باقی نمانده است. همه می دانیم که بعد از کودتای خونبار ۷ ثور ۱۳۵۷ و به دوام آن تجاوز رهنانه سوسیال امپریالیسم شوروی متوفا، و آغاز جنگ آزادیبخش علیه نیروهای اشغالگر و نوکران زرین قلاده آنها "خلق و پرچم"، بزرگترین آرزوی قاطبه ملت و تمام باشندگان این کشور به استثنای مشتی وطنفروش خلقی و پرچمی، سقوط حاکمیت دست نشانده و پوشالی و خروج

نیروهای اشغالگر بود، این آرزو و خواست در ازای میلیونها قربانی به دست آمد، شب رفت مگر سحر نشد، زیرا به جای نوکران روس، نوکران ارتجاع منطقه بر سرنوشت مردم حاکم شده، شهرها را به خاک و خون کشیدند. شب و تاریکی جهادی ها و طالب نیز خاتمه یافت، مگر به جای آن، مجدداً تاریکی و شب قیرگون به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء برکشور گسترش یافت، باز هم سرنوشت ما چنان بود که شب برود مگر سحری در قبال نداشته باشد. امپریالیسم جنایتگستر امریکا و شرکاء، نیز بعد از ۲۰ سال جنایت و دزدی سرانجام از افغانستان فرار نمودند، مگر به جای خود نیروهای مزدور و جنایتکار طالب را گماشتند، تا باز هم شب ما خاتمه نیابد و بدون سحر باقی ماند.

هموطنان گرامی!

این که امروز طالب و نظام ملاسالار خروج امریکا از افغانستان و انداختن قلاده بردگی بر گردن خودشان را جشن می گیرند، این جشن، جشنی نیست که همه مردم آن را جشن بدانند بلکه برای میلیونها افغان آزاده و آنهایی که در آرزوی بهروزی و رفاه مردم نفس می کشند، این روز هم به مانند روزهای گذشته، روز ماتم ملی می گردد. زیرا علی رغم آن که امپریالیسم امریکا از کشتار بیهوده خسته شده، خودرا کنار کشید مگر مردم پیروز نشد، تا جشن بگیرند و پایکوبی نمایند.

شب استعمار، بدون آن که به سحر آزادی، رفاه و برابری بینجامد به شب ارتجاع هار مذهبی تحویل داده شد. شب تاریک و دلهره آور. از همین رو جشن طالب، ماتم و عزای مردم ماست.

هموطنان گرامی!

جشن مردم ما روزی خواهد رسید که قادر شده باشند افغانستان را از سیطره امپریالیسم و ارتجاع آزاد و بنیان یک افغانستان آزاد، دموکراتیک و سربلند را بر روی استخوانهای پوسیده امپریالیسم و ارتجاع و نوکران زرین قلاده آنها بگذارند. به امید آروز.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!